

اعتقاد به معاد و موانع گسترش آن - قسمت اول

<?xml encoding="UTF-8">

یکی از بنیادی ترین باورهای دینی «اعتقاد به معاد» است. اعتقاد به زنده شدن پس از مرگ ظاهری و حیات دوباره، نه تنها ریشه در فطرت انسان ها دارد، بلکه در سرلوحه برنامه های فرهنگی و تبلیغی پیامبران الهی قرار داشته است. تمامی راهنمایان آسمانی، انسان ها را به «باور قیامت» فرا خوانده اند، به طوری که تبیین و تعمیق اعتقاد به معاد، به موازات اعتقاد به مبدا، فصل مشترک برنامه تمامی پیامبران توحیدی بوده است. در برنامه تبلیغی آخرین رسول الهی، پیامبر اکرم (ص) نیز اعتقاد به معاد از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و آن معلم راستین بشری در زمان بعثت و در جای جای پیام انسان ساز خویش، مردم را به باور قیامت دعوت کرده اند. قرآن کریم مجموعه تعالیم آسمانی و سند نبوت آن رسول الهی و بهترین شاهد این مدعا است و در تعداد قابل توجهی از آیات قرآنی، مستقیم و غیر مستقیم، به این اعتقاد و ویژگی ها و آثار آن اشاره شده است. براساس یک طبقه بندی موضوعی قرآن کریم، بیش از 1640 آیه، معادل 8/25 درصد از کل آیات به تبیین و تشریح موضوع قیامت و آخرت اختصاص دارد. (1) که این درصد در میان موضوعات قرآنی دارای مقام دوم (پس از رسالت پیامبر اکرم با 30 درصد) است.

این باور دینی، آثار سازنده و مثبت فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی بر جای می گذارد و زمینه را برای تربیت انسان های مؤمن و تحقق جامعه توحیدی فراهم می آورد. پرورش فضایل اخلاقی، جلوگیری از رذایل روحی، مبارزه با هواها و هوس ها، ایجاد آرامش و اطمینان، تعدیل علایق مادی و دنیوی، تغییر بینش نسبت به دنیا، پرورش روحیه ایثار و شهادت، تقویت روحیه تفاهم و مجاهدت برای برقراری عدالت و قسط، از جمله آثار ارزشمندی است که در پرتو باور به قیامت و زندگی اخروی به وجود می آید. به بیان دیگر، اعتقاد به معاد هم هدف رسالت الهی است و هم زمینه را برای تحکیم پیام الهی در بینش و گرایش مؤمنان فراهم می آورد و اجرای فرمان های پیامبران را تضمین می کند. به همین دلیل، در کلام مفسران پیام آسمانی و ائمه معصوم - علیهم السلام - نیز تبیین و تشریح این اعتقاد، از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و احادیث و روایات متواتر و فراوانی در این باره به دست ما رسیده است.

در بررسی سیر نزول آیات قرآن کریم و پیام ائمه هدی - علیهم السلام - نکته زیر قابل تامل و توجه است: «هر زمان که جامعه در آستانه تحول عظیم فرهنگی و اجتماعی قرار داشته و مؤمنان باید رسالت فردی و اجتماعی سنگینی را به عهده می گرفتند، در چنین شرایطی تبلیغ و ترویج اعتقاد به قیامت و زندگی اخروی از شدت و گستردگی بیشتری برخوردار شده است، زیرا تشریح ناپایدار بودن زندگی دنیوی و گذرا بودن لذات و سختی های مادی و تاکید بر پایداری حیات اخروی و مواهب آن، زمینه را برای پذیرش مسؤولیت های خطیر دینی و تلاش در راستای تحقق آرمان های الهی فراهم می آورده است.

به همین دلیل، بیش از 47 درصد از آیات نازل دربارۀ معاد، در سه سال اول بعثت پیامبر اکرم (ص) و در آستانه علنی شدن رسالت رسول گرامی و در نتیجه سنگین شدن مسؤولیت مؤمنان و یاران او نازل شده است. (2) تجربیات تاریخی نیز گواه این مدعاست که هر زمان اعتقاد و باور به قیامت در تار و پود جامعه تنیده شد و مردم

آگاهانه و صادقانه به این باور دینی ایمان آوردند، دستاوردهای مهم و سترگ در زندگی فردی و اجتماعی آنان به وجود آمد، و هر زمان که این باور تضعیف شد، آسیب پذیری فردی و جمعی نیز افزایش یافت. برای نمونه، تجلی ارزشمند و ماندگار اعتقاد به قیامت را در دوران معاصر می توان در مبارزات پیروزی انقلاب اسلامی و مجاهدات هشت سال دفاع مقدس به خوبی مشاهده کرد که تمامی این دستاوردها در پرتو اعتقاد عمیق و خالصانه به مبدا و معاد قابل تفسیر و توجیه است.

اینک این سؤال اساسی مطرح است که: «چگونه می توان اعتقاد به معاد را در جامعه پایدار و نهادینه کرد؟» پاسخ سؤال فوق از آن نظر در وضعیت فعلی حایز اهمیت است که نسل حاضر در صدد ایجاد تحول عظیم فرهنگی در جامعه و برپایی تمدن اسلامی است. بی شک تحقق این رسالت تاریخی و انقلابی تنها در سایه اعتقاد عمیق و گسترده به مبدا و معاد میسر است. در بعد داخلی، تنها زمانی احکام الهی و ارزش های انسانی - نظیر اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، آزادی و آزادگی، عدالت و برادری - حاکم می شوند که باور به زندگی اخروی، عمیق و گسترده باشد. در بعد خارجی نیز تنها امتی می تواند در عصر حاضر، پرچمدار عدالت و قسط در زندگی فردی و اجتماعی باشد که آگاهانه و صادقانه به این باورها ایمان بیاورد و در راه تثبیت و حاکمیت آنها آماده جانفشانی و ایثار باشد. بنابراین، یافتن پاسخ سؤال مذکور و تلاش در راه تعمق اعتقاد به زندگی اخروی، در واقع، تلاش برای پایداری ارزش ها و حاکمیت فرمان های آسمانی و در نهایت، تلاش برای برپایی تمدن اسلامی است.

برای یافتن پاسخ، ابتدا موانع تعمیق اعتقاد به معاد بررسی می شود و سپس روش ها و راهکارهای مناسب برای پایداری و تعمیم این اعتقاد در جامعه تشریح می شود.

موانع گسترش و تعمیق اعتقاد به معاد

عواملی که در جامعه دینی باعث تضعیف اعتقاد به معاد گشته و به عنوان موانع اصلی در راه گسترش و تعمیق این باور تجلی می کنند، عبارت اند از:

1 - فرهنگ حاکم در دوران معاصر

پس از پیدایش رنسانس و فروپاشی اعتقادات مذهبی کلیسا، فرهنگی جدید در اروپا متولد شد. این فرهنگ با اعتقاد به «اصالت انسان» و تکیه بر «اومانیسم» در صدد نفی اندیشه های آسمانی برآمد و دین و دین باوری را به شدت مورد حمله قرار داد. در فرهنگ جدید، انسان از خاک برآمده و در خاک فرو خواهد رفت و تاریخ زندگانی او نه ابتدایی دارد و نه انتهایی؛ هرچه هست همین زندگی مادی است که باید از آن کمال استفاده و لذت را برد. انسان موجودی صرفاً «این دنیایی» است و خوشبختی و سعادت او نیز باید «این دنیایی» باشد. در این فرهنگ، رابطه انسان با خدا و، در نتیجه، با خودش قطع شده است و انسان هیچ ارتباطی با پیامبران و تعالیم آسمانی ندارد. در زندگی ماشینی، انسان با خود و دیگران و حتی طبیعت، قطع رابطه کرده است و شب و روز بدون تفکر و تأمل به دور خود می چرخد و با تکرار پس از تکرار، زندگی را سپری می کند. در این فرهنگ انگیزه ای و فرصتی برای اندیشیدن درباره خدا و قیامت و زندگی روزمره وجود ندارد.

از سوی دیگر، با گسترش ارتباطات بین جوامع، داد و ستدهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بین کشورها فزونی یافت و با پیشرفت تکنولوژی ارتباطات، مبادلات فرهنگی در صحنه بین المللی از رونق چشمگیری برخوردار شد؛

اما به دلیل مقارن شدن تحولات اقتصادی با تغییرات فرهنگی و اجتماعی در اروپا و پیشرفت سریع و شگفت انگیز غرب در زمینه های اقتصادی و تکنولوژی، ارتباطات فرهنگی بین کشورها یک سویه گشت و تفکرات و دستاوردهای فرهنگی غرب به همراه محصولات و کالاهای غربی به سایر کشورها سرازیر شد . در نتیجه، در وضعیت کنونی فاصله های جغرافیایی از بین رفته و به تعبیر مک لوهان، جامعه شناس مشهور معاصر، دنیا به «دهکده جهانی» تبدیل شده است . «تبادل فرهنگی» بین کشورهای پیشرفته و جهان سوم به «تهاجم فرهنگی» و انتقال یک طرفه فرهنگ و اطلاعات مبدل شده است و حکومت ها، غربگرایان و روشنفکران وابسته، با تبلیغ و ترویج سکولاریسم سعی در حاکمیت فرهنگ غرب دارند . روح حاکم بر تمدن غرب با اعتقادات دینی، مخصوصا باور به قیامت در تعارض است و فرهنگ ماده گرایی و زندگی این دنیایی را تبلیغ و ترویج می کند، لذا حاکمیت فرهنگ معاصر، مانع اصلی در گسترش اعتقاد به زندگی اخروی است .

2 - تعارض آخرت خواهی و دنیاگرایی

انسان معاصر متأثر از فرهنگ حاکم، خواهان زندگی آرام مادی است و می خواهد از لذات و مواهب طبیعت حداکثر استفاده را ببرد . از این رو، یکی از اهداف راهبردی و بنیادی دولت ها، دست یابی به «توسعه ملی» است . این توسعه بیشتر در «توسعه اقتصادی» تجلی پیدا کرده است و دولت ها در یک رقابت شدید و فشرده به سوی آن در حرکت اند . نظریه پردازان توسعه، معتقدند برای دستیابی به توسعه باید «تولید» بالا برود و سرانه تولید ملی افزایش یابد و برای رشد تولید باید «مصرف» افزایش پیدا کند . در نتیجه، مردم باید «بیشتر» و «متنوع تر» مصرف کنند تا تولید کنندگان داخلی و خارجی «بیشتر» تولید کنند و چرخه اقتصاد به گردش درآید و «توسعه» حاصل شود .

در جامعه دینی، سؤالات متعددی در زمینه این نگرش و آثار مترتب بر آن وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

آیا دنیا ملعون و مذموم است؟ احادیث و روایاتی که در مذمت دنیا وارد شده است به چه معناست؟ در جامعه مذهبی تا چه

میزان می توان مردم را به مصرف بیشتر دعوت کرد؟ اگر تولید بیشتر، درآمد بیشتر را برای تولید کنندگان به وجود می آورد، یک مسلمان تا چه میزان می تواند به کسب درآمد و ثروت بپردازد؟ آیا این استغنا او را از خدا دور نمی کند؟ آیا بدون تقویت روحیه دنیاپرستی و مصرف گرایی، می توان تولید را افزایش داد؟ آیا فقر و تهیدستی نشانه دوری از دنیا و علاقه به آخرت است؟ آیا دنیاخواهی و آخرت گرایی قابل جمع است؟ آیا پذیرش یکی مترادف و ملازم با نفی دیگری است؟

متأسفانه عدم پاسخگویی روشن به سؤالات مزبور و عدم تمییز دقیق مرز آخرت گرایی و دنیاخواهی، سبب شده است عده ای برای افزایش درآمد و ثروت خود به اعتقادات دینی و باورهای فطری، درباره معاد و زندگی اخروی، کم توجهی و یا بی توجهی نمایند و بدون دغدغه و با خاطری آسوده به دنیا بپردازند .

3 - عدم تبیین دقیق معارف اسلامی در زمینه معاد

تصویر تاریک از زندگی پس از مرگ و تاکید افراطی بر ترس از آخرت و عذاب های الهی، یکی از موانع گرایش به باورهای مذهبی است . برداشت های غلط از قرآن کریم و احادیث، به همراه استناد به بعضی از روایات ضعیف،

چهره ای هول انگیز و وحشت زا از معاد و قیامت ارائه می دهد که نتیجه آن تلخ کردن زندگی روزمره در کام معتقدان و مختل نمودن گردش کار و زندگی است و استمرار آن می تواند این تصور غلط را به وجود آورد که دین و سمبل های دینی (نظیر مسجد و روحانی) فقط از مرگ و مردن و گریه و زاری سخن می گویند و با شادی و نشاط مخالف هستند . هم چنین تاکید بر جنبه عاطفی اعتقاد به قیامت و عدم پرداختن به مبانی استدلالی و جنبه های عقلی و ذهنی آن، موجب کاهش گرایش به باور مزبور به ویژه در بین نسل جوان می شود . از سوی دیگر، بیان سطحی و تکراری معارف الهی در برخی از محافل و مجالس و رسانه های گروهی، سبب اشباع کاذب در بعضی از جوانان شده است و آنان انگیزه و نیاز جدی به درک و فهم معارف اسلامی، و از جمله مباحث مربوط به معاد، در خود احساس نمی کنند .

4 - تعارض رفتار و گفتار برخی از معتقدان به معاد

از جمله موانع مؤثر در گسترش و تعمیق اعتقاد به معاد در جامعه، تعارض رفتار و گفتار برخی از معتقدان به معاد است که از یک سو مردم را به قیامت و باورهای اخروی فرا می خوانند و از سوی دیگر، رفتار و کردار آنها در زندگی فردی و اجتماعی، بیانگر علاقه شدید آنان به دنیا و دنیاپرستی است . دعوت زبانی آنان به این باور، نه تنها مردم را با آخرت گرایی و معاد مانوس نمی سازد، بلکه مخاطبان نیز با پیدا کردن توجیهات ناصحیح (کلاه شرعی) سعی در آرام کردن وجدان و ندای فطرت خویش خواهند کرد و از پذیرش مسئولیت و رعایت اوامر الهی، شانه خالی خواهند کرد . هرچند همگان مسئولیت دارند تا اعمالشان بیانگر اعتقاد آنها به قیامت و زندگی اخروی باشد، (یرغبکم بالآخرة عمله) (3) لیکن مسؤولان، حاکمان و مبلغان و کارگزاران حکومت دینی، مسئولیت مضاعف دارند، زیرا توده مردم، رفتار و کردار آنها را ملاک عمل قرار داده و بر آن مبنا به قضاوت می نشینند .

5 - هوای نفس و امیال شیطانی

خلقت انسان، ترکیبی از نار و نور است و غرایز پست حیوانی به همراه گرایش عالی انسانی در سرشت او به ودیعت نهاده شده است؛ «فالهملها فجورها و تقویها» (4) همچنان که پیامبران آسمانی، انسان ها را به مبارزه با هوای نفس و رشد گرایش های عالی فطری فرا می خوانند و او را به فلاح و رستگاری دعوت می نمایند . شیاطین جن و انس نیز انسان را به تبعیت از غرایز و سیر در عالم حیوانی و میل های نفسانی سوق می دهند . ملازمه حرکت در سرازیری نفسانیت، پشت پا زدن به باور معاد و نادیده انگاشتن حساب و کتاب اخروی است . به بیان دیگر، باور به قیامت با پاسخ گویی به هواهای نفسانی و نیازهای شیطانی در تعارض است و با اعتقاد به زندگی اخروی نمی توان بی محابا در وادی لذات دنیوی و برآورده کردن نیازهای نفسانی و شیطانی قدم برداشت . یکی از نکاتی که زمینه ساز تقویت هوا و هوس نفسانی بوده و در تعلیم و تربیت دینی (برخلاف تعلیم و تربیت رایج) مورد توجه جدی قرار گرفته است، نامشروع بودن روش های کسب درآمد و ثروت و به تعبیر احادیث «لقمه حرام» است که به عنوان مانع مؤثر و ناپیدا در تضعیف اعتقاد به معاد ایفای نقش می کند . اگر در جامعه ای میدان بروز آزادانه هوای نفس به وجود آید و فضای گناه و آلودگی در آن رایج گردد، اعتقاد به معارف دینی به ویژه اعتقاد به معاد از بین خواهد رفت .

راهکارهای گسترش و تعمیق اعتقاد به معاد

با عنایت به موانع مذکور، مشخص می شود که پاسخ این سؤال را که: چگونه می توان اعتقاد به معاد را در جامعه پایدار و نهادینه کرد؟ تنها در تبلیغات زبانی نمی توان جستجو کرد، بلکه باید با نگرش جامع نسبت به رفع موانع و ایجاد شرایط مناسب بر رشد باور به قیامت تاکید کرد تا تمامی افراد جامعه آگاهانه و با اختیار کامل پذیرای این باور اصیل و سازنده در جامعه دینی باشند. بدین منظور راه کارهای زیر پیشنهاد می شود؛ بدان امید که صاحب نظران و اندیشمندان با غنی نمودن آنها زمینه تبیین حاکمیت آنها را در جامعه فراهم آورند.

1 - حاکمیت فرهنگ دینی و نفی فرهنگ بیگانه

اعتقاد به قیامت، رکنی مهم از ارکان اعتقادات مذهبی است که در سایه حاکمیت فرهنگ دینی گسترش و عمق می یابد. در نتیجه برای تعمیق این باور باید در راستای حاکمیت فرهنگ دینی و نفی فرهنگ بیگانه و غربگرایانه تلاش کرد. نکته قابل تامل آن است که فرهنگ، شامل همه روابط آشکار و پنهان فردی و اجتماعی می شود. بنابراین، حاکمیت فرهنگ دینی نیز باید تمامی زوایای زندگی فردی و اجتماعی و روح حاکم بر جامعه را در بر گیرد و کلیه نهادها و ارگان های اجتماعی را متأثر سازد. در جامعه دینی کلیه روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از اهداف و آرمان های دینی نشأت می گیرند و متناسب با ارزش ها و برنامه های الهی سازماندهی می شوند. نهادهای اجتماعی برای تحقق اهداف و برنامه های دینی مسؤولیت مشترک دارند و ضمن تلاش برای اجرای برنامه های خود، باید برای حاکمیت فرهنگ دینی نیز برنامه ریزی و تلاش نمایند. از این رو، حاکمیت فرهنگ دینی را نباید صرفاً از ارگان ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی انتظار داشت، بلکه همه و همه باید دینی بیندیشند، دینی برنامه ریزی کنند و دینی عمل کنند. به بیان دیگر، کافی نیست که یک نهاد اجتماعی یا اقتصادی در کنار فعالیت خود به فعالیت های فرهنگی بپردازد، بلکه باید تحقق اهداف جامعه و گسترش فرهنگ دینی را وظیفه اصلی خود بداند و در راستای تحقق آن فعالیت اقتصادی و اجتماعی خویش را ساماندهی کند. برای گسترش باور به معاد نیز تمامی ارگان های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باید تلاش مشترک و همسو را سازماندهی کنند. در غیر این صورت فعالیت یک نهاد می تواند فعالیت بخش دیگر را آسیب پذیر و خدشه دار سازد. از آن جا که تعدادی از سازمان های اجتماعی در زمان حکومت غیر دینی گذشته به وجود آمده و برنامه ها و اهداف خویش را متأثر از فرهنگ ضد دینی غربی طراحی و اجرا نموده اند و متأسفانه با گذشت چندین سال از حکومت اسلامی هنوز نتوانسته اند سازمان، اهداف و برنامه های خویش را متناسب با تعالیم و ارزش های مکتب توحید متحول و اصلاح نمایند. لذا آسیب زایی عملکرد آنها بر باورهای اخروی مردم به خوبی مشهود است و ناخواسته مردم را به سوی ارزش های فرهنگ غرب، نظیر ماده گرایی، مصرف زدگی، تجمل گرایی، ارزش های طبقاتی و دوری از ارزش های معنوی و الهی سوق می دهند. برای نمونه، یکی از پایه های اصلی اقتصاد در فرهنگ غرب دریافت مالیات از مردم است. اجرای ناقص آن در کشورهای جهان سوم سبب می شود کارگزاران حکومت معمولاً با اجبار و اکراه نسبت به اخذ آن از مؤدیان مالیاتی اقدام کنند. بنابراین، مردم نیز معمولاً برای فرار از پرداخت آن به انواع حیل ها و پنهان کاری ها روی می آورند. این اعمال، رابطه مالیات دهنده را با باورهای دینی و آخرتی خدشه دار می سازد. در حالی که در سیستم اقتصاد اسلامی، برای پرداخت خمس، فرد خمس دهنده سعی می کند آگاهانه با پرداخت بیشتر، رابطه خود و خدا را محکم تر کرده و برای آبادی آخرت خویش ذخیره ای از قبل بفرستد. در نتیجه، این دو روش دو اثر متفاوت را بر رویکرد انسان نسبت به معاد بر جای می گذارد.

مثال دیگر را در مقایسه دو سیستم آموزش حوزوی و دانشگاهی می توان جستجو کرد . هر چند اهداف، برنامه ها، حیطه عملکرد و روش های این دو نهاد علمی و فرهنگی متفاوت است، لیکن نکته حائز اهمیت آن است که در سیستم حوزوی هر چه دانشجو و طلبه مدارج علمی بیشتری را سپری می کند، اعتقادش به خدا و قیامت و ارزش های الهی بیشتر شده و روحیه خدمت گذاری به مردم و تواضع در مقابل آنان در او فزونی می یابد . در حالی که در سیستم آموزش دانشگاهی، به ویژه در رژیم غیر دینی گذشته، با افزایش معلومات علمی و مهارت های فنی توقع از مردم و ضرورت استفاده بیشتر از امکانات و سرمایه های جامعه بالاتر می رفته است . در نظام حوزوی معمولاً رشد معلومات با انگیزه رستگاری اخروی و آبادانی آخرت همراه است و در سیستم دانشگاهی معمولاً تلاش برای کسب مدارج بالاتر با هدف آبادانی دنیوی قرین است البته این سخن روح حاکم بر دو جریان علمی را تبیین می کند وگرنه موارد نقض در هر دو جریان وجود دارد . در نتیجه، دو سیستم اجتماعی متفاوت دو اثر مختلف را بر باورهای دینی و اجتماعی مردم بر جای می گذارد . بنابر این، گسترش و تعمیق اعتقاد به معاد نیازمند نفی فرهنگ و دستاوردهای فرهنگ غربی در جامعه و حاکمیت جدی فرهنگ دینی در تار و پود و در زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه است .

2 - بیداری و پیرایش فطرت ها

در بینش اسلامی، انسان موجودی است که خداوند متعال گرایش های فطری را در سرشت او به ودیعت نهاده است . این گرایش ها در تمام زمان ها و در تمامی مکان ها تجلی می یابند . از جمله امور فطری، کمال خواهی و آخرت گرایی در انسان است . بررسی سیر تحولات اجتماعی انسان ها نشان می دهد که اعتقاد به زنده شدن و بازگشت مردگان از دیرزمان در تمامی جوامع بشری وجود داشته است و هر یک متناسب با اعتقادات خویش برای زندگی پس از مرگ چاره اندیشی کرده اند .

معمولاً با بالا رفتن سن آدمیان، زمینه بیداری این گرایش بیشتر فراهم می آید؛ به طوری که اغلب افراد کهن سال در اواخر عمر به یاد مرگ و قیامت می افتند و تلاش می کنند با تمهیدات گوناگون و استفاده از امکانات و سرمایه های خویش برای زندگی اخروی خود توشه ای برگیرند . نکته قابل توجه آن است که باید با بهره گیری از روش های آموزشی و تربیتی مختلف گرایش به معاد را از دوران پیری به میان سالی و دوره جوانی کشاند؛ به طوری که جوانان بتوانند با نگاه به آخرت و التزام عملی به ثواب و عقاب اخروی برای زندگی خویش تصمیم گیری نمایند . در صورت بروز چنین پدیده ای چنان تحولی در جوانان به وجود خواهد آمد که نمونه بارز و زیبای آن را در دوران جنگ تحمیلی مشاهده کردیم و شهیدان عزیز، با ایمان به قیامت و باور به حساب و کتاب آن، نرد جان باختند و به لقاءالله پیوستند .

تبیین دقیق و صحیح اعتقاد به معاد با استفاده از روش های مؤثر آموزشی و تربیتی و در قالب های جذاب هنری و فرهنگی در بیداری نقش تعیین کننده دارد . سرمایه گذاری برای آموزش کودکان و نوجوانان و جلوگیری از نفوذ فرهنگ مخرب غربی به این مناطق (توسط رسانه های بیگانه و خودی!) و نیز اعزام معلمان و مبلغان کارآمد و باورمند به قیامت در بیداری فطرت ها و تنویر افکار نقش تعیین کننده دارد . هم چنین هماهنگی رفتار و گفتار معتقدان و مبلغان معاد، زمینه تقویت گرایش فطری مردم به حیات اخروی را بیش از پیش فراهم می آورد و از تعارض های احتمالی جلوگیری می کند . برگزاری نشاط انگیز مراسم عبادی و عرفانی و جلوگیری از برنامه های مذهبی کسالت آور، خسته کننده (و حتی محرف و منحرف) می تواند در ایجاد رغبت به سوی معارف الهی و

تقویت رابطه عاطفی با تعالیم آسمانی نقش مؤثر ایفا کند .
ادامه دارد .

پی نوشت ها :

(1) سیر تحول قرآن، ص 165 .

(2) همان، ص 161 .

(3) اصول کافی، جلد دوم . امام صادق (ع) از قول حضرت عیسی می فرمایند: دوستان شما باید کسانی باشند که عمل آنها شما را به آخرت ترغیب و تشویق نماید .

(4) سوره شمس، آیه 8 . پس خداوند پاکی ها و ناپاکی ها را به نفس انسان ها الهام کرد .